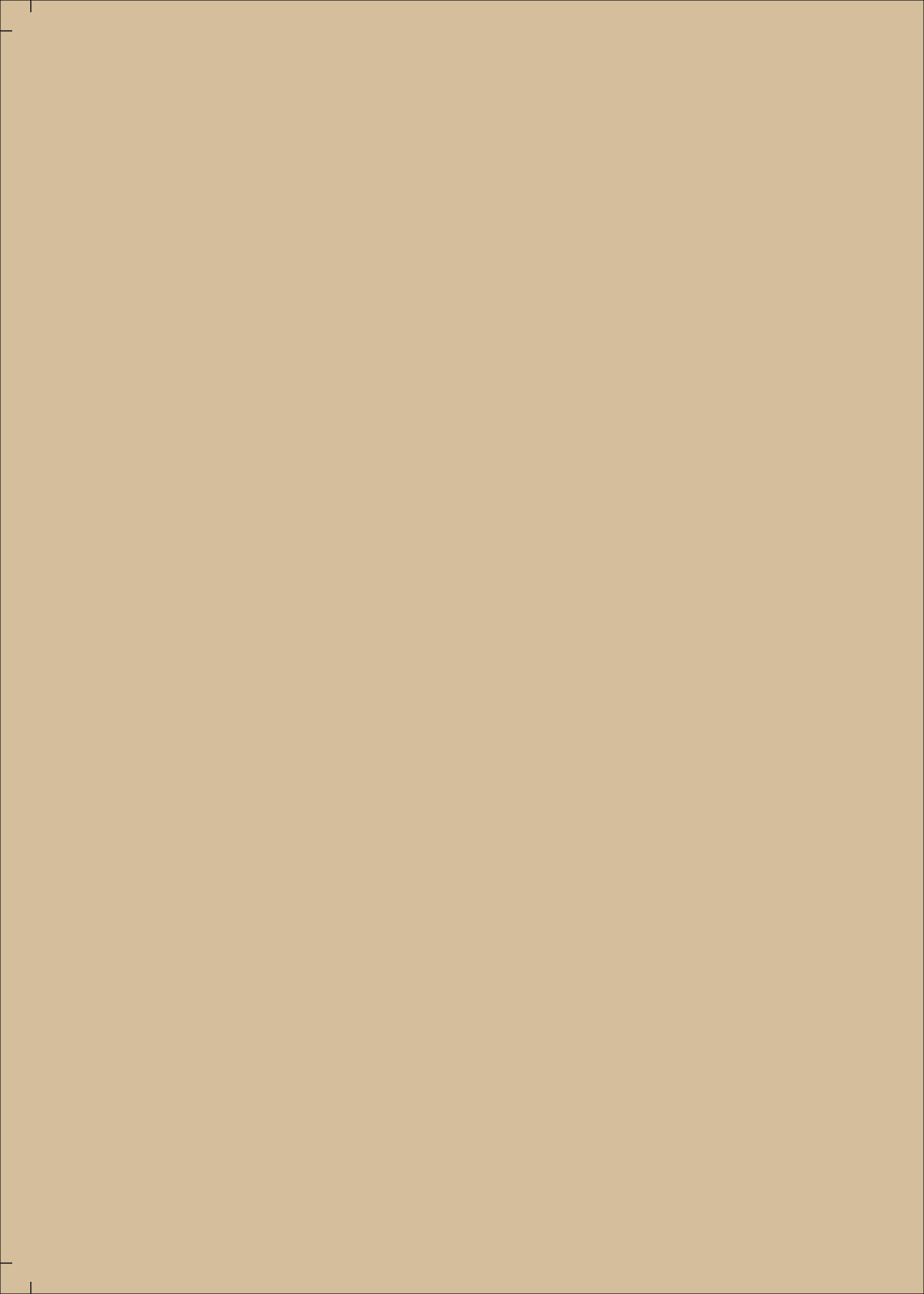


زنان بدون مرز



جولیا پیرپونت

زنان بدون مرز

زن‌هایی که دنیا را به جایی بهتر تبدیل کردند

ترجمهٔ عباس گودرزی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره‌ی کتابشناسی ملی

جولیا پیرپونت Pierpont, Julia
زنان بدون مرز/ زن‌هایی که دنیا را به جایی بهتر تبدیل کردند/ جولیا
پیرپونت/ ترجمه عباس گودرزی/ تصویرگر منجیت تهاپ
تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۷.
ص ۳۶۷
۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۳۷۲-۲
فیپا
سرگذشتنامه
تهاپ، منجیت، تصویرگر
گودرزی، عباس، ۱۳۵۵ - مترجم
HQ ۱۱۲۳ ک ۲ پ ۹ / ۳۰۵/۴۲۰۹۲
۵۲۰۲۹۶۷



■ زنان بدون مرز (زن‌هایی که دنیا را به جایی بهتر تبدیل کردند)

جولیا پیرپونت
ترجمه‌ی عباس گودرزی
آماده‌سازی و تولید:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۸، ۱۱۰۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه‌ی کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه‌ی سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

   @ketabeparseh



فهرست مطالب

۱۳.....	مقدمه.....
۱۹.....	آرتمیسیا جنتیلسکی.....
۲۷.....	کانوسو گاکو.....
۳۱.....	ویرجینیا وولف.....
۳۵.....	اُپرا.....
۳۹.....	دل مارتین و فیلیس لیون.....
۴۳.....	فروغ فرخزاد.....
۴۷.....	سافو.....
۵۱.....	باربارا جردن.....
۵۵.....	هریت توبمن.....
۵۹.....	هو پاتیای اسکندریه.....
۶۳.....	یایویی کوساما.....
۶۷.....	امی نوتر.....
۷۱.....	گلوریا اشتاینم.....
۷۵.....	ساندرا دی اُکانر.....
۷۹.....	وَنگاری مانهای.....
۸۳.....	مایا آنجلو.....

۸۷ کیتی کان
۹۱ دولورس هوئرتا
۹۵ ریچل کارسون
۹۹ خواهران برونته
۱۰۳ نینا سیمونه
۱۰۷ ارما بومبک
۱۱۱ نئی بلای
۱۱۵ فیلیس ویتلی
۱۱۹ کاترین هیپورن
۱۲۳ بنا آرتور
۱۲۷ فرانسیس پرکینز
۱۳۱ امیلیا ارهارت
۱۳۹ سیمون دوپوار
۱۴۳ دوروتی لانگ
۱۴۷ ایسادورا دانکن
۱۵۱ سویورنر تروث
۱۵۵ جوزفین بیکر
۱۵۹ خواهران ویلیامز
۱۶۳ آن فرانک
۱۶۷ خواهران میرابال
۱۷۱ بی نظیر بوتو
۱۷۵ هلن کلر
۱۷۹ فریدا کالو

۱۸۳	ملاله یوسف زای
۱۸۷	گرتروڈ بل
۱۹۱	آن و سسیل ریچاردز
۱۹۵	آیدا بی. وئز
۱۹۹	سالی راید
۲۰۳	بِلا ایزوگ
۲۰۷	کاشانا باگسرا
۲۱۱	مری ادواردز واکر
۲۱۵	جین ژیانگ
۲۱۹	جو لیا چایلد
۲۲۳	مدونا
۲۲۷	مہ وست
۲۳۱	مارشا بی. جانسون
۲۳۵	گلادیس الفیک
۲۳۹	مری ولستن کرافت و مری شلی
۲۴۳	ماریا مونته سوری
۲۴۷	جین آدامز
۲۵۱	الیزابت اول
۲۵۵	روبی بریجز
۲۵۹	ماری کوری و ایرنه ژولیو-کوری
۲۶۳	مارگارت سنگر
۲۶۷	جونکو تابایی
۲۷۱	دوروتی ارزنر

۲۷۵	آنا پولیتکوفسکایا
۲۷۹	ساحران شب
۲۸۳	هلن هیز
۲۸۷	النور روزولت
۲۹۱	هیلاری رادهام
۲۹۵	لیز مایتنر
۲۹۹	پوسی ریوت
۳۰۳	لوکرتیا مات
۳۰۷	جوانا اینس دلا کروز
۳۱۱	اُدره لورد
۳۱۵	ویلما منکیلر
۳۱۹	بیلی جین کینگ
۳۲۳	کارا واکر
۳۲۷	ادا لاولیس
۳۳۱	لوئیزامی الکوت
۳۳۵	شرلی چیشولم
۳۳۹	خواهران گریمکه
۳۴۳	گریس هاپر
۳۴۷	امیلی دیکنسون
۳۵۱	الایبکر
۳۵۵	جین آستین
۳۵۹	تقدیر عقاب خالدار
۳۶۳	مارگارت همیلتون

۳۶۷ لویی بورژوا

۳۷۱ مارلین دیتريش

تقدیم به زنانی که ما را بزرگ کردند،
و تقدیم به دوستانی که در کنار ما، زن شدند.

مقدمه

هرگز به یاد ندارم که در کودکی‌ام چیزی جز دختر بوده باشم. و به یاد می‌آورم که در بین مردم همواره مؤنث بوده‌ام. در کودکی، مادرم قصه‌ای دربارهٔ دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها می‌گفت که حالا برای من بیشتر تمثیل است تا قصه. تابستان سالی که چهار ساله می‌شدم، من را در یک پیش‌دبستانی ثبت نام کردند که «سال‌های جادویی» نام داشت. از سوی مدرسه، در یک اردوی تفریحی به همراه والدین شرکت کرده بودیم و قرار شد کلاس ما نمایش پیتر پَن^۱ را بازی کند. مادرم که موهای بلند و مشکی داشت، نقش کاپیتان هوک را برعهده گرفت. همین که نمایش شروع شد، پسرها دور او جمع شدند و تا جایی که دستان کوچک‌شان می‌رسید، به سروصورت او می‌زدند. دخترها از ترس فرار کردند و فریاد می‌زدند: «دنبال‌مان بیا، دنبال‌مان بیا!» مادرم در آن سال‌ها خاطراتش را می‌نوشت و من از او خواستم تا شرح ماجرای آن روز را برایم بخواند. و او چنین خواند: «دخترها می‌خواستند من دنبال‌شان بروم، اما پسرها قصد داشتند من را بزنند، بکشند و تکه‌های بدنم را بخورند.» حالا او از خودش می‌پرسد چرا چنین شد؛ او در دههٔ ۱۹۷۰ به دانشگاه می‌رفت، کار می‌کرد و از نسل زنانی بود که مبارزه کردند تا موانع ناشی از نقش‌های سنتی مربوط به تفکیک‌های جنسیتی را از میان بردارند. و

1. Peter Pan

جنبش آن‌ها، مرموز و پنهان، عاقبت در همه‌جا نفوذ کرد و جاری شد. این کتاب دربارهٔ رشادت‌های زنانی است که شجاعانه آن نقش‌ها را شکستند و اگر چنین نمی‌کردند، اکنون دنیای ما بسیار بدتر از آنچه هست، می‌بود. فهرست عرضه شده در این کتاب کوچک، تنها صد زن را معرفی می‌کند، و به هیچ وجه کامل و قطعی نیست. من و کیتلین مک‌کنا، ویراستار اثر، ابتدا با جمع‌آوری چند تن از زنانی شروع کردیم که به ما الهام داده و درعین حال، به چالش کشانده بودند. پس از دیگران کمک گرفتیم و دوستم، جنیفر رایس^۱ اهل اوستین، شرلی چیشولم را به ما معرفی کرد؛ اولین زن سیاه‌پوستی که به کنگرهٔ آمریکا راه یافت و روی بورد تبلیغاتی‌اش چنین نوشته بود: «چیشولم، آماده‌ای یا نه؟» چون برای او اهمیتی نداشت که دیگران چه فکر کنند. همچنین، آن ریچاردز، چهل‌وپنجمین فرماندار تکزاس، به ما نشان داد که «همهٔ پست‌ها را به زنان داده بود.» وقتی منجیت ته‌اپ به‌عنوان تصویرگر به ما ملحق شد، او نیز کسانی مثل هنرمند سرشناس ژاپنی، یایویی کوزاما، و فعال اجتماعی، مارشا پی. جانسون، را معرفی کرد. در ادامه، کیتلین از دوستانش در انتشارات رندوم هاوس کمک خواست و آن‌ها فهرستی طولانی از زنان تأثیرگذار را در اختیار ما گذاشتند. جالب است که پنج نفر کاترین هپبورن را پیشنهاد داده بودند و هشت نفر هم ماری کوری را. وقتی فهرست اسامی تا مرز چهارصد نفر رسید، ناچار و ناخواسته به کار ناخوشایند حذف روی آوردیم. ولی تعدادی که در نهایت باقی ماندند از سرتاسر جهان هستند و به لحاظ زمانی، گستره‌ای از شاعر یونانی، سافو، (متولد ۶۳۰ قبل از میلاد) گرفته تا کسانی مثل ملاله یوسف‌زای (فعال پاکستانی متولد ۱۹۹۷) را که نزدیک به دوران خودمان هستند، شامل می‌شود.

1. Jennifer Rice

در فهرست کردن زنان این کتاب، از روش کتاب کاتولیکی یک قدیس برای یک روز استفاده شده است؛ به این معنا که هر روز برای تقویت روحیه و الهام بخشی می توان شرح حال یک نفر را خواند. پس به هر شخصیتی که ذکرش در این کتاب آمده یک روز نکوداشت اختصاص یافته تا، مثلاً، شرح حال جوزفین بیکر دامن موزی را در روز سوم ژوئن هر سال، مصادف با روز تولدش بخوانیم. یا روز ولنتاین را به نکوداشت سافو و شعرش که از تمنا می سراید، اختصاص داده ایم. همچنین، روز بیستم ماه می را به املیا ارهارت تخصص داده ایم، یعنی روزی که او در سال ۱۹۳۲، به تنهایی پرواز خود را بر فراز اقیانوس اطلس آغاز کرد. کتاب های مربوط به قدیسان مذهب کاتولیک تاریخچه پیچیده ای دارند و من وقتی در احوال ملکه الیزابت اول، به عنوان حاکمی وابسته به مذهب پروتستان در کشوری که پیش از او کاتولیک بوده، می خواندم، به طور اتفاقی با یکی از این گونه کتاب های مربوط به تذکره قدیسان آشنا شدم. وقتی کشیشی از کلیسای سنت پل یک کتاب دعا با تصاویری از قدیسه ها را به الیزابت پیشکش می کند، او نمی پذیرد و می گوید: «می دانید که من از بت پرستی بیزارم.» ولی بحث ما این است که تمام زنان مطرح شده در این کتاب، در زندگی خود کارهایی کرده اند که آن ها را به انسان هایی با ارزش و قابل احترام تبدیل کرده است. پس اجازه دهید که این کتابی کوچک و عاری از پیشداوری های ایدئولوژیک در مورد زنان اندیشمند و پیشگام، فارغ از رنگ و پوست و نژادشان، باشد.

نکته دیگر اینکه شرحی که در خصوص هر بانو آمده، قرار نیست یک زندگی نامه یا شرح حال نامه باشد زیرا مانند این ها را می توان به راحتی در منابع اینترنتی یافت. در عوض، در پژوهش روزانه خود، سعی کردم بر ابعاد برجسته و پررنگ و لعاب در زندگی آن ها، یا بر حکایاتی که برای دوستانم تعریف می کردم، تمرکز کنم. کم کم ارتباطاتی هم بین زنان پیدا می شد. برخی از این پیوندها

غیرمستقیم بودند. مثلاً، متوجه شدیم که در نمایشگاه جهانی شیکاگو، زمانی که دیوارنگاره فمینیستی مری کست، با عنوان زنان مدرن، داشت در درون نمایشگاه تحرکاتی می‌انگیخت، آیدا بی. ولز در بیرون آن، مشغول تدارک برنامه تحریم نمایشگاه به علت حذف سیاه‌پوستان از دیدار آن بود. با گذشت زمان و کوچک‌تر شدن دنیا، مواردی از هم‌پاری و حمایت متقابل نیز بین آن‌ها یافت شد. وقتی مجله گلوریا اشتاینم با نام میس^۱ (بانو) در سال ۱۹۷۲ راه‌اندازی شد و استشهادی را با عنوان «ما سقط جنین داشته‌ایم» منتشر کرد، نام بانوی اول تنیس زنان، بیلی جین کینگ، در بین ۵۳ نفر امضاکننده آن بود. یا وقتی که روبی بریجز (که در پرونده قضایی براون علیه آموزش و پرورش، در سال ۱۹۶۰، اولین کودک سیاه‌پوستی شد که در یک مدرسه تماماً سفیدپوست در لوئیزیانا، حضور یافته بود) سی‌وشش سال بعد با معلم خود در آن مدرسه دیدار کرد، در یک برنامه گفت‌وگو محور تلویزیونی بود که مجری آن، ملکه تمام رسانه‌ها، آپرا وینفری، بود، و من احساس کردم که با یک رابطه خواهی بسیار بزرگ روبه‌رو شده‌ام.

و حالا مدخل دیگری نیز در دفتر خاطرات مادرم هست که یک ماه پیش نوشته شده، یکی از روزهای ماه فوریه و هوا عجیب گرم است. ما در حیاط مدرسه هستیم، و از قضا، امروز هم داریم نمایش پیتز پن را بازی می‌کنیم. مادر نوشته است: «من نقش کاپیتان هوک را دارم، جولیا نقش میکائیل و جان را دارد، گابریل کروکودیل است، لیندسی نقش وندی را بر عهده گرفته و بالاخره، آنتونیا ریزنقش هم که ما آنجا دیدیم، در نقش پن ظاهر شده است.» آنچه در مورد این بازی جالب می‌نمود، علاوه بر دقت نظر مادرم در ارائه فهرست نقش‌ها، عدم حضور پسرها در آن بود. آری، مثل آب، ما دخترها جایی را که برای‌مان باز شده

1. Ms.

پر کرده‌ایم. زنانی که در صفحات این کتاب آمده‌اند، فضاهای خود را سراسر پر کرده‌اند، فضاهایی بسیار بزرگ، آن‌هم در روزگاری که هیچ‌کس مکانی را به آن‌ها اختصاص نداده بود.

آرتمیسیا جنتیلسکی^۱

حامی هنرمندان

متولد ۱۵۹۳، ایتالیا / روز نکوداشت: اول ژانویه

قاضی دستور داد تا ناخن‌هایش را بکشند تا مطمئن شوند که قربانی حقیقت را می‌گوید. پیش از آن، قابله‌های دربار آزمایش‌هایی انجام داده بودند تا مشخص شود که دوشیزگی او را، چنان که خودش مدعی بود، زایل کرده‌اند. این دادگاه هشت ماه تمام ادامه داشت و در طی این مدت، آرتمیسیا هرگز از شکایت خود پا پس نکشید. آگوستینو تاسی^۲، نقاشی که پدرش برای تعلیم او اجیر کرده بود، به شاگردش تعدی کرده بود. دست‌آخر، تاسی که پیش از این نیز چندبار به تجاوز به عنف متهم شده بود، به یک سال حبس محکوم شد و هرگز آن را نگذراند. ولی آرتمیسیا فوراً و بدون سروصدا به ازدواج با کسی تن داد و به فلورانس فرستاده شد تا در آنجا کار اصلی زندگی‌اش را شروع کند. او سواد خواندن و نوشتن نداشت ولی نقاش خوبی بود. و همین کار را ادامه داد. او تصویر زنان قوی را نقش می‌کرد؛ آن‌ها که به دنبال انتقام بودند. معروف‌ترین اثر او یودیت^۳ در حال کشتن هالو فرنس است که داستان بانو یودیت در عهد عتیق را دست‌مایه خود قرار داده است، آنجاکه

1. Artemisia Gentileschi

2. Agostino Tassi

3. Judith

یودیت با شهامت و قساوتی ناگزیر، سر سپه سالار هالو فرنس را از تن جدا می کند. ولی به جای چهره یودیت، صورت خودش را ترسیم کرده و برای هالو فرانس هم از قیافه ناسی الهام گرفته است. و او را امروز به خاطر این اثر مهم می شناسیم. آری، مردی که بنا بود معلم نقاشی او باشد، به موضوع اثرش تبدیل شد.